



شاید بسیاری از رفتارهای جنسی مانند پوشش، بروزهای رفتاری، تعاملات نامناسب و... علی الظاهر تجاوز به حقوق افراد دیگر نباشد اما در بطن خود تجاوز به حقوق روحی آن‌ها باشد. شاید یک سیاست غلط جنسی یا تولید و گسترش یک مدل نامناسب و... تجاوز به حقوق مادی فردی نباشد اما در باطن برای نمونه باعث تنوع طلبی، سرد شدن فضای خانواده شود و افرادی را از لذت و آرامش محروم سازد و اینجا است که اهمیت سیاست‌های جنسی مشخص می‌شود

عکس: علی محمدی/ایران
عکس: ترانه است

رها کنیم، بلکه باید تلاش کنیم که این نیاز را سریع‌تر به مناسب‌ترین حالت، به تأمینش برسانیم. راهبرد حفاظت و نگهداشت در این راهبرد به چگونگی حفظ خود و فرزندان و اجتماع مان از تجاوزات، آزارها و بیماری‌های جنسی پرداخته می‌شود. کارگاه‌های خودمراقبتی غربی عمدتاً این راهبرد است. در حالی که در مدل ما، این تنها یکی از شش راهبرد است و البته قواعد و دستورالعمل‌های ما، در چگونگی تحقق این موضوع نیز با روش‌های غربی متفاوت است.

راهبرد کاهش آسیب یا درمان
راهبرد کاهش آسیب یا درمان مربوط به کمک‌های درمانی و حل آسیب‌های پیش‌آمده، در افراد و دسته‌هایی از اجتماع است. در این راهبرد به این سؤال پاسخ خواهیم داد که اگر فرد یا گروهی به تنوع طلبی جنسی، خودارضایی، اعتیاد به پورنوگرافی، سردمزاجی جنسی و روسپیگری و... دچار شدند، چه باید کرد.

این راهبردها را باید چه کسی انجام دهد و پیگیری کند؟ در همه راهبردهای فوق نقش سه دسته حائز اهمیت است: فرد نسبت به خودش و دیگر افراد جامعه گروه‌های خرد و میانه نسبت به اعضای خود و دیگران (خصوصاً نقش خانواده بسیار حائز اهمیت است) نظامات کلان اجتماعی و حاکمیت در واقع هر سه دسته مذکور باید تمام تلاش خود را در زمینه اجرای شش راهبرد فوق انجام دهند تا در میان‌مدت و بلندمدت این بحران جنسی کاهش یافته و از بین برود. این شش راهبرد فوق تبدیل به صدها قاعده و دستورالعمل می‌شود که همه دستگاه‌ها و نهادها باید در جهت دستیابی به آنها اقدام کنند.

امکانش هست به برخی از آنها اشاره کنید؟ مثلاً اهداف میانی در زمینه اصلاح زیست جنسی می‌تواند موارد زیر باشد:

رصد عملیات دشمن در حوزه زیست جنسی و برخورد مناسب
پایش وضعیت زیست جنسی و شناخت صحیح، هم در زمینه پیش، هم گرایش و هم رفتار (ما بشدت در این موضوع ضعف داریم و فهم دقیقی از وضعیت فعلی مان نداریم.) کاهش فضای تحریک در جامعه، خصوصاً در محتوای قابل دسترسی در فضای مجازی (مثلاً اینترنت ملی، سیم‌کارت‌های مخصوص نوجوانان و...)

تقویت خانواده‌های فعلی از نظر مهارتی و افزایش میزان رضایتمندی در آنها (سباحث تربیتی هم در آموزش و پرورش، هم در آموزش عالی و هم نظامات آموزشی غیررسمی بسیار بد است و افراد برای زندگی سالم تربیت نمی‌شوند) افزایش توان تربیتی خانواده‌ها، با آموزش‌های سه‌روز و تأثیرگذار و ایجاد شناختی درست، از وضعیت زن و خانواده در غرب، در سطح جامعه خودمان و پاسخ به شبهات مردم تسهیل ازدواج با استفاده از تمام ابزارهای قانونی و فرهنگی پاسخ به شبهات جامعه در زمینه موضوعات مربوط به زیست جنسی مانند هویت‌های جنسی و... ایجاد آموزش‌های صحیح به‌روز و برآمده از تربیت اسلامی در مدارس و از سنین پایین مانند تربیت جنسی با رویکرد اسلامی (منظور آموزش‌های جنسی غربی نیست و ما باید در این حوزه متناسب با مخاطبان کار اجابتی کنیم و خانواده و مربیان را به این تربیت مجهز کنیم.) ایجاد زمینه‌های سالم مشاوره و درمان، با استفاده از اساتید متعهد و متخصص شناخت مسیر جریان سازی و مهره‌های دشمن در این عرصه تقویت نیروهای خودی و شبکه‌سازی از آنها تولید محتوای مناسب با استفاده از تیم متخصص و رسانه‌شناس در رسانه‌های مختلف و خصوصاً صدا و سیما در قالب‌های گوناگون ترویج اخلاق و اخلاق جنسی سالم و پرهیز از سیاسی کردن موضوعات جنسی (در حد امکان) استفاده از روش‌های کاهش آسیب در مواجهه با افشار آسیب‌دیده چون روسپیان و جوانان مجرد آسیب‌دیده و... تقویت خطوط شرعی و اخلاقی، با استفاده از ظرفیت‌های ارشادی (نه الزاماً قضایی).

تأمین جنسی به‌صورت مستمر، در سن پایین‌تر و در وضعیت راحت‌تری مهیا ساخت.

راهبرد خویشنداری
خویشنداری دو شکل دارد: نوع اول، نوع عام آن است که به همه جامعه مربوط می‌شود و هر فرد مجرد یا متأهل باید خویشندار باشد و خود را در جهت کاهش تحریکات جنسی در سطح جامعه تلاش کرد.

راهبرد کاهش تحریک
در جامعه‌ای که تحریکات جنسی زیاد است، آرامش جنسی ایجاد نمی‌شود. پس باید در جهت کاهش تحریکات جنسی در سطح جامعه تلاش کرد.

راهبرد تأمین نیاز
برای حل این مسأله به غیر از کاهش تحریکات جنسی اطراف فرد و آرامش بیشتر فضا، باید فرزندانمان را به شکلی تربیت کنیم که سریع‌تر آمادگی تشکیل خانواده را به دست آورند و مهارت‌های همسری، مردانی است که در فشار جنسی و عاطفی قرار دارند، اما امکان تأمین این نیازها را در اوضاع مناسب و شرعی ندارند. در این حالت نیز افراد باید از قواعد و تکنیک‌های خویشنداری استفاده کنند تا با آرامش بیشتری این دوران را سپری کنند.

دکته بسیار مهم این است که خویشنداری جنسی در عمل برای اغلب آقایان، در بازه زمانی غیرکوتاه ممکن نیست و در صورت عدم تأمین نیاز از راه‌های سالم، معمولاً آنها دچار انحرافات اخلاقی، جنسی یا عقده‌های ماندگار ذهنی می‌شوند. این نوع از خویشنداری غیرمعمول، مورد تأیید دین نیز نیست. لذا نباید فرزندانمان را به امید خویشنداری

مشکلات خانوادگی و اجتماعی، در نارضایتی از هویت جنسی یا عدم هویت‌دهی صحیح است و حتی این موضوع بر تمایل به ازدواج و کیفیت زندگی خانوادگی هم مؤثر است.

راهبرد هویت‌دهی سالم جنسی
این راهبرد چهار بخش دارد: الف. شناخت درست از هویت جنسی خود و دیگران و رفتارها و منش‌های متناسب با هر یک (من زن هستم یا مرد و بدانم باید چه منش‌ها و رفتارهایی را متناسب با هویت مردانه و یا زنانه‌ام انجام دهم).

ب. علاقه و افتخار به هویت جنسی خود (از زن یا مرد بودن خودم احساس رضایت کنم). ج. احترام به هویت جنسی دیگران (جنس مخالفم را در مقابل خودم نبینم، و دنبال ستیز با او نباشم، بلکه به او احترام بگذارم). د. رفتار درست متناسب با هویت جنسی خود و دیگران (بنوانم زن یا مرد بودنم را ایفا کنم).

اگر این راهبرد در جامعه‌ای به‌درستی اتفاق بیفتد، ما کم‌تر با افرادی چون همجنس‌بازان و تراجنسیتی و... مواجه خواهیم بود. در واقع ریشه بسیاری از اختلالات جنسی و حتی

انواع جرم‌ها و تجاوزات جنسی با عذاب وجدان کمتر و... در جامعه جنسی شده، بدن محور شده و میزان مصرف لوازم آرایشی و اعمال جراحی زیبایی افزایش می‌یابد. افراد به دنبال دین و دیده شدن بیشتر هستند و از هر ابزاری برای رسیدن به این هدف خود بهره می‌برند. در چنین جامعه‌ای، چهار فرایند تقدس‌زدایی، فیج‌زدایی، رسمی سازی و عمومی سازی و هنجارها، ارزش‌ها و قوانین جامعه را تغییر می‌دهند. عقلانیت در این جامعه کاهش یافته و شهوت، قدرت می‌یابد و شاهد یک سیاست جنسی شده هستیم. خشونت و هنجارطلبی در این جامعه بشدت افزایش می‌یابد و عشق و آرامش و گذشت رنگ می‌بازد و هزاران تغییر دیگر.

قابلیت ذکر است که این تغییرات تا علل بازتولیدکننده‌شان حل نشود، ادامه می‌یابند و با بخشنامه و دستور و قانون و... نیز نمی‌توان تأثیر چندانی بر آنها گذاشت. راهکار شما برای از بین بردن این بحران چیست؟ آیا چاره‌ای هست؟ بله، قطعاً راه‌هایی برای برون‌رفت از این بحران و حتی کاهش آسیب‌های آن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت وجود دارد و نباید ناامید و تسلیم بود بلکه باید برای تحولی مثبت تلاش و شبکه‌سازی و هم‌افزایی کرد. اما به نظر من باید مداخله ما در زیست جنسی جامعه ایرانی ذواباد و جامع باشد وگرنه مؤثر نخواهد بود. ببینید برای برون‌رفت از هر بحرانی باید چهار کار صورت گیرد:

۱. بین بردن عوامل بازتولیدکننده جنسی از سربایت بیشتر درمان آسیب‌دیدگان ۲. اعتلا بخشی به وضعیت فعلی حال ما در مورد بحران جنسی نیز باید این چهار کار را انجام دهیم که روش مداخله ما برآمده از علت‌شناسی این بحران است که اینجا قصد ورود به شناخت علت‌ها را نداریم. برای رسیدن به این مقصود باید، هم تغییراتی در پیش‌ها و اعتقادات ایجاد کنیم

تحوّلات پرشتاب در ساحت مختلف زندگی انسان ایرانی و بویژه ساحت زیست جنسی، نگرانی‌هایی را در میان نخبگان اجتماعی ایجاد کرده و مباحثات و مناقشات مختلفی را در این زمینه رقم زده است. نحوه مواجهه و سیاست‌گذاری در زمینه سکسوالیته ایرانی دغدغه‌ای برای گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران این عرصه شد. در این راستا گفت‌وگویی با دکتر سیدکامیل حسینی استاد دانشگاه و پژوهشگر عرصه امر جنسی صورت دادیم که وضعیت موجود زیست جنسی و راهکارهای مداخله در آن موضوع این گفت‌وگو بوده است. وی چهار راهبرد مهم هویت‌دهی سالم جنسی، کاهش تحریک، تأمین نیاز و خویشنداری را به عنوان محورهای مهم سیاست جنسی در جامعه ایران می‌داند.

به عنوان اولین سؤال لطفاً توصیف خود را از وضعیت زیست جنسی جامعه ایرانی بفرمایید. درباره توصیف وضعیت جنسی فعلی از الفاظ گوناگونی استفاده می‌شود؛ گاهی اوقات از لفظ انقلاب، گاهی بحران، اتومی و... گاهی اوقات این الفاظ، فضولت یا بار ایدئولوژیک ندارند، مثلاً عنوان انقلاب جنسی، نه مثبت است و نه منفی و تنها از یک تحول صحبت می‌کند. اما لفظ بحران این‌گونه نیست و دارای معیار و قضاوت است. در واقع در لفظ بحران جنسی این مستتر است که وضعیت زیست جنسی آنچه باید باشد، نیست و دارد آسیب‌هایی را به همراه می‌آورد و نیاز به مداخله است.

این معیار قضاوت الزاماً دینی هم نیست. مثلاً غریزه جنسی مثل سایر غرایز و فطریات و چه بسا بالاتر از بسیاری از آنها یک پیشران تمدنی و هویتی است. خوب اگر ما این نیروی درونی را درست مدیریت و تربیت نکردیم و باعث آسیب و انحراف شد، می‌توانیم بگوییم که ما از وضعیت سلامت جنسی اجتماعی فاصله داریم و با یک شرایط بحرانی روبه‌رو هستیم که نیاز به مداخله جدی دارد.

امکانش هست درباره این پیامدهای منفی بیشتر صحبت کنید؟ پیامدهای این تغییرات بسیار زیاد بوده و در همه ارکان فردی، خانوادگی و اجتماعی نفوذ می‌کند و بینش‌ها و

گرایش‌ها و رفتارها را تغییر می‌دهد. تغییر در نظام پوشش، فرزندآوری، ازدواج و طلاق، روابط اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های جنسی و... در این تغییرات است. سیاستی که این تغییرات را در نظر می‌گیرد، تعداد ازدواج، میزان طلاق، فرزندآوری و... می‌توانیم عرض کنیم که در بدترین نقاط تاریخ آماری خود قرار داریم. تازه اینها موضوعاتی است که تا حدودی قابل احصا است، به نظر در گزارش‌ها و عقاید و در رفتارهای پنهان زیرپوست شهر اوضاع بسیار خراب‌تر است که شاید به چشم نیاید.

به هر حال برخی از این تغییرات در حوزه بینش‌هاست که متأثر از بحران جنسی، در حال تغییر هستند و البته این را هم عرض کنم که این تغییرات تنها محدود به ایران نیست و تغییراتی جهانی است و قطعاً در بعضی روندها به خاطر سرمایه‌های دینی و فرهنگی اجتماعی که داشته‌ایم، وضعیت بهتری نیز داریم.

مثلاً در جامعه‌ای که با نقش آفرینی خارج از تعادل غریزه جنسی درگیر است که ما از آن با عنوان جامعه جنسی شده یاد می‌کنیم، انسان از وضعیت الهی پایین آمده و در قالب ابزار جنسی دیده می‌شود و خود همین تنزل جایگاه انسانی و ابزار شدن انسان، زمینه‌ای است برای آمادگی روانی برای انجام

تحوّلات پرشتاب در ساحت مختلف زندگی انسان ایرانی و بویژه ساحت زیست جنسی، نگرانی‌هایی را در میان نخبگان اجتماعی ایجاد کرده و مباحثات و مناقشات مختلفی را در این زمینه رقم زده است. نحوه مواجهه و سیاست‌گذاری در زمینه سکسوالیته ایرانی دغدغه‌ای برای گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران این عرصه شد. در این راستا گفت‌وگویی با دکتر سیدکامیل حسینی استاد دانشگاه و پژوهشگر عرصه امر جنسی صورت دادیم که وضعیت موجود زیست جنسی و راهکارهای مداخله در آن موضوع این گفت‌وگو بوده است. وی چهار راهبرد مهم هویت‌دهی سالم جنسی، کاهش تحریک، تأمین نیاز و خویشنداری را به عنوان محورهای مهم سیاست جنسی در جامعه ایران می‌داند.

به عنوان اولین سؤال لطفاً توصیف خود را از وضعیت زیست جنسی جامعه ایرانی بفرمایید. درباره توصیف وضعیت جنسی فعلی از الفاظ گوناگونی استفاده می‌شود؛ گاهی اوقات از لفظ انقلاب، گاهی بحران، اتومی و... گاهی اوقات این الفاظ، فضولت یا بار ایدئولوژیک ندارند، مثلاً عنوان انقلاب جنسی، نه مثبت است و نه منفی و تنها از یک تحول صحبت می‌کند. اما لفظ بحران این‌گونه نیست و دارای معیار و قضاوت است. در واقع در لفظ بحران جنسی این مستتر است که وضعیت زیست جنسی آنچه باید باشد، نیست و دارد آسیب‌هایی را به همراه می‌آورد و نیاز به مداخله است.

این معیار قضاوت الزاماً دینی هم نیست. مثلاً غریزه جنسی مثل سایر غرایز و فطریات و چه بسا بالاتر از بسیاری از آنها یک پیشران تمدنی و هویتی است. خوب اگر ما این نیروی درونی را درست مدیریت و تربیت نکردیم و باعث آسیب و انحراف شد، می‌توانیم بگوییم که ما از وضعیت سلامت جنسی اجتماعی فاصله داریم و با یک شرایط بحرانی روبه‌رو هستیم که نیاز به مداخله جدی دارد.

امکانش هست درباره این پیامدهای منفی بیشتر صحبت کنید؟ پیامدهای این تغییرات بسیار زیاد بوده و در همه ارکان فردی، خانوادگی و اجتماعی نفوذ می‌کند و بینش‌ها و

گفت‌وگوی «ایران» با دکتر سیدکامیل حسینی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه جنسیت و خانواده جامع‌نگری در سیاست جنسی



در واقع در لفظ بحران جنسی این مستتر است که وضعیت جنسی آنچه باید باشد، نیست و دارد آسیب‌هایی را به همراه می‌آورد و نیاز به مداخله است.



این معیار قضاوت الزاماً دینی هم نیست. مثلاً غریزه جنسی مثل سایر غرایز و فطریات و چه بسا بالاتر از بسیاری از آنها یک پیشران تمدنی و اجتماعی و هویتی است. خوب اگر ما این نیروی درونی را درست مدیریت و تربیت نکردیم و باعث آسیب و انحراف شد، می‌توانیم بگوییم که ما از وضعیت سلامت جنسی اجتماعی فاصله داریم و با یک شرایط بحرانی روبه‌رو هستیم که نیاز به مداخله جدی دارد.



برش

در جامعه‌ای که با نقش آفرینی خارج از تعادل غریزه جنسی درگیر است که ما از آن با عنوان جامعه جنسی شده یاد می‌کنیم، انسان از موقعیت الهی پایین آمده و در قالب ابزار جنسی دیده می‌شود و خود همین تنزل جایگاه انسانی و ابزار شدن انسان، زمینه‌ای است برای آمادگی روانی برای انجام انواع جرم‌ها و تجاوزات جنسی با عذاب وجدان کمتر و... در جامعه جنسی شده، بدن محور شده و میزان مصرف لوازم آرایشی و اعمال جراحی زیبایی افزایش می‌یابد. افراد به دنبال دین و دیده شدن بیشتر هستند و از هر ابزاری برای رسیدن به این هدف خود بهره می‌برند.